

رمضان مقاومت و پیروزی

بازآفرینی تاب‌آوری ملی
در جنگ تحمیلی سوم از
مسیر فناوری آموزشی



دکتر مهدی واحدی



اشاره مهم

این یادداشت در آخرین روزهای قبل از آتش بس جنگ تحمیلی سوم آمریکای جنایتکار و اسرائیل غاصب علیه ایران عزیزو جبهه مقاومت نگاشته شده است. به همین دلیل ممکن است برخی نکته‌های ذکرشده، با واقعیت میدانی امروز که شما این مطلب را مطالعه می‌کنید، قدری متفاوت باشد.

نکته مهم و بعدی این است که رویکرد این نوشتار، ضمن توصیف آنچه اتفاق افتاد، بیشتر به وضعیت مطلوبی ناظر است که در ذهن نویسنده در موضوع نقش فناوری‌های آموزشی در شرایط بحران است و بخش قابل توجهی از متن با همین رویکرد آینده‌نگارانه نوشته شده است.

فناوری آموزشی جایگاه راهبردی خود را زمانی به درستی نشان می‌دهد که بتواند در بحران‌های هویتی و امنیتی، نقش «بستر سازگاری اجتماعی» را ایفا کند. جنگی که آمریکای جانی و اسرائیل وحشی طراحی کردند و در کنار حمله‌های نظامی، ضربه سنگین شهادت رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمای خامنه‌ای (ره)، دانش‌آموزان پاک و معصوم مدرسه شجره طیبه شهر میناب، فرماندهان و مسئولان کشوری و لشکری، و هم‌وطنان عزیز و بی‌گناه ما را رقم زد. اما آنچه این جنگ را از دو جنگ تحمیلی پیشین متمایز می‌کند، ظهور الگوی نوینی از پشتیبانی مردمی است که فناوری‌های آموزشی و ارتباطی می‌توانند قلب تپنده آن باشند.

جنگ تحمیلی سوم: از شوک رهبری تا بیداری جمعی

با شهادت رهبر معظم انقلاب (قدس الله نفسه الزکیه) در روزهای نخست اسفندماه ۱۴۰۴، داغی سنگین بردل مردم ایران نشست. تحلیل‌های اولیه دشمن از «فروپاشی زنجیره‌ای روحیه ملی» به سرعت با واقعیتی دیگر در هم شکست. در این نقطه بحرانی، فناوری آموزشی در قالب «سامانه‌های هماهنگ آموزش ملی» و «پیام‌رسان‌های بومی مبتنی بر هوش مصنوعی» کارکردی فراتر از کلاس درس یافت. این بسترها که تا پیش از جنگ صرفاً برای آموزش

مجازی مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها طراحی شده بودند، ناگهان به شبکه‌ای برای توزیع پیام‌های مقاومت، تحلیل صحیح رویدادها و جلوگیری از یأس عمومی بدل شدند.

میدان‌داری میلیونی مردم در عصر یادگیری سیار

وقتی مردم ایران در سحرگاه دهمین روز ماه مبارک رمضان، خبر شهادت رهبر و زعمای عالی‌قدر خود را دریافت کردند، بهت و حزن عمیق و جانکاه وجود همه آن‌ها را فرا گرفت، اما این به انفعال و سرخوردگی و یأس منجر نشد. حضور میلیونی در خیابان‌ها و میدان‌های اصلی شهرها، نه از روی عادت، بلکه براساس «آموزش دیدگی در مواجهه با بحران» بود. فناوری آموزشی در اینجا نقش «شبیه‌ساز مشارکت جمعی» را ایفا کرد. برنامه‌های کاربردی بومی مسیریابی امن برای رساندن خود به تجمعات، سکوها برای برگزاری مراسم مجازی سوگواری برای رهبر شهید، با ظرفیت اتصال ده‌ها میلیون کاربر، و حتی بازی‌های جدی که سناریوهای پشتیبانی آمادی (لجستیک) از نیروهای مسلح را به شهروندان آموزش می‌داد، باعث شد پشتیبانی از نظام اسلامی و رهبری جدید به نوعی «فرهنگ عملیاتی سریع» بدل شود.

هماهنگی مردم و نیروهای مسلح: نقش سکوها آموزشی یکپارچه

نیروهای مسلح ایران در جنگ تحمیلی سوم توانی فراتر از پیش‌بینی دشمن از خود نشان دادند. اما راز موفقیت، تنها در تجهیزات نظامی نبود. «سامانه‌های یادگیری سازمانی یکپارچه‌ای» میان سپاه، ارتش، فراجا و بسیج مردمی طراحی شده بود که به هر نیرو در هر نقطه‌ای، براساس تهدید لحظه‌ای، آموزش هدفمند و به‌روز ارائه می‌کردند. در مقابل، مردم نیز از طریق درگاه‌های همگانی آموزشی، «رفتار صحیح در زمان حمله‌های ترکیبی» و «نقش خود در پدافند غیرعامل فضای رایانه‌ای و فیزیکی» را آموخته بودند. این هماهنگی هوشمند حاصل سرمایه‌گذاری یک‌دهه‌ای نظام بر «فناوری‌های آموزشی نرم‌افزار محور و هوشمند» بود.

تاب‌آوری آموزشی؛ ستون پنهان پایداری ملی

مقاومت و تاب‌آوری مردم قوی و عزیز ایران در

این جنگ، تنها حاصل روحیه و سابقه تاریخی و تمدنی آن‌ها نبود، بلکه «حاصل طراحی نظام یادگیری تاب‌آور» در برابر شوک بود. مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها تعطیل نشدند، بلکه آموزش به بسترهای غیرمتمرکز، برخط و نابرخ‌منتقل شد و محتوای درسی با مفاهیم «مقاومت، امید و خوداتکایی» بازطراحی گشت. حتی در اوج حمله‌ها، سکوها آموزشی کشور با استفاده از شبکه‌های مستقل انرژی و داده، به کار خود ادامه دادند و مانع از ایجاد خلأ روانی و فکری نسل جوان شدند.

پاسخ فناوریانه؛ وقتی کلاس درس مرکز فرماندهی شناختی می‌شود

توان دفاع و پاسخ‌گویی نیروهای مسلح ایران به دشمن در این جنگ تحمیلی سوم، دو بعد داشت: یکی موشکی و پهپادی، دیگری «شناختی و اطلاعاتی». بعد دوم، مدیون پیشرفت‌های پنهان در «فناوری آموزشی دفاعی» بود. مراکز شبیه‌ساز جنگ‌های نامتقارن، اتاق‌های جنگ مبتنی بر واقعیت مجازی فرماندهان، و نظام‌های تحلیل رفتار دشمن، با الهام از الگوریتم‌های یادگیری عمیق، همه در دل نهادهای آموزشی و پژوهشی کشور طراحی شده بودند. به عبارت دیگر، در این جنگ، فناوری آموزشی نه فقط به عنوان ابزار انتقال دانش، بلکه به عنوان «مولد قدرت نرم و سخت» ظاهر شد.

جنگ تحمیلی سوم (که روایت آن بیشتر بر اساس رویکرد آینده‌نگرانه و مطلوب نقش فناوری آموزشی در شرایط بحران ارائه شد) یک بار دیگر ثابت کرد: ارزش واقعی فناوری آموزشی فراتر از زمره و مدرسه است. این فناوری می‌تواند در عمیق‌ترین بحران‌های ملی، چتری برای «هویت‌بخشی، هماهنگی جمعی و تولید تاب‌آوری» باشد. ایران جان در این سناریو نشان داد که اگر «یادگیری برای زیستن در شرایط بحران» به یک پروژه ملی تبدیل شود، حتی شهادت رهبری معظم و جنگ تحمیلی نیز قادر به شکستن اراده مردم و کارآمدی نظام اسلامی نخواهد بود.

درس امروز فناوری آموزشی این است: زیرساخت‌های یادگیری خود را طوری طراحی کنید که در روزهای سخت به پناهگاه امن ذهن و عمل ملت تبدیل شوند.

